

شوق روزنامه

گپ

استندآپ کمدی از منظر سیروس ابراهیم‌زاده

بذله‌پوش

بابک جوادی: وقتی با سیروس ابراهیم‌زاده از استندآپ کمدی حرف می‌زنیم،موضوع آن قدر برایش جذاب هست و در موردش مطالعه کرده که دوست دارید گوشه‌هایی دیگر از این نوع کمدی را به ما بشناسد و به اشتراک بگذارد.ابراهیم‌زاده در تعریف استندآپ کمدی بیش از هر چیز به تاریخ کهن ایرانی رجوع می‌کند نشانه‌های وجود این نوع کمدی را در ادبیات و فرهنگ ما جست‌وجو می‌کند و البته معادل فارسی جذابی که او برای این گونه کمدی انتخاب کرده است.هر چند که ابراهیم‌زاده معتقد است در فضایی که مخاطبان ایرانی اقبال بیشتری به این گونه از کمدی نشان داده‌اند بهتر است این فضا برای مخاطبان مطلبش نیز فراهم باشد که نظرات مخالف با موافق را بیان کنند.

✂ تعریف شما از استندآپ کمدی چیست؟

قبل از اینکه شروع به گفت‌وگوکنیم اجازه دهید پیشنهاد کنم موقتا یک معادل فارسی برای عنوان موردبحث پیدا کنیم. «بذله‌پوش» و «بذله‌پوشی» چطور است؟ شاید هم مورد قبول ما فارسی زبانان قرار گرفت و جا افتاد. خدمت شما عرض کنم ما ایرانیان به‌طورکلی مردمی عبوس و غم‌پرور هستیم. ممکن است به‌ظاهر –براهای اوقات – خیلی هم بخندیم و به قول امروزی‌ها، عشق‌وحال کنیم، ولی اگر عمیقاً موضوع را مورد بررسی قرار دهیم، اغلب در سوگ حیات خویش زندگی می‌کنیم... و این ریشه در شکست‌ها و به تاراج‌رفتن‌های تاریخی زندگی اجداد ما دارد. حتی در زمان حاضر نمی‌توانیم ازدست‌دادن عزیزانمان را به‌راحتی فراموش کنیم. بله، ما همواره در غمی پنهان و مداوم به سر می‌بریم. این فرهنگ غم‌پروری در اغلب حوزه‌های مورءعلاقه ما حضوری انکارناپذیر دارد. مثلا محبوب‌ترین آوازخوانان معاصر حتی یک آهنگ شاد نخوانده‌اند! بنابراین ما واقعا نیازمند خنده و شادی هستیم تا بتوانیم درهای تاریخی خود را درمان کنیم. «بذله‌پوشی» از ابزارهای سودمندی است، چون متکی به اجرای تک‌نفره است و مشکلات کارهای هنری دسته‌جمعی را ندارد. البته بذله‌پوشی کار خلاقه دشواری است در طبقه‌بندی هنرهای نمایشی به بازگریری نزدیک نباید و به باور من، پیچیده‌تر و پرمسئولیت‌تر از آن است، چراکه ارتباطی تنگاتنگی با تماشاگر بر قرار می‌کند و به حضور ذهن و تمرکز و بداهه‌سازی بیشتری نیاز دارد. بذله‌پوش به‌تنهایی نویسنده، کارگردان و بازیگر نمایش خویش است. باید بتواند ساز بزند، آواز بخواند، در موارد لزوم حرکات موزون انجام دهد و ...



بذله‌پوش باید اهل مطالعه، ظرافت طبع و دقت‌نظر باشد. باید سطح آگاهی بالایی نسبت به تاریخ و تغییرات جهان و جامعه داشته باشد. فیلم ببیند، به تماشای تئاتر بنشیند، از نمایشگاه‌های نقاشی دیدن کند و زبان زنده غیرفارسی هم یاد بگیرد، ضرر نمی‌کند. اما در اجرای «بذله‌پوشی» بددهنی و متلک‌پرانی‌های کینه‌توزانه جایگاهی ندارد. نباید اشخاص و قومیت‌ها مورد تمسخر و توهین قرار گیرند. اگر از لهجه‌ها استفاده می‌کند نباید در روند تخریب باشد. او باید آشنان و مردم سرزمینش را دوست داشته باشد؛ به‌ویژه به هواداران و مخاطبان خود باید عشق بورزد.

✂ **دلیل پرمخاطب‌بودن استندآپ کمدی یا به قول شما، «بذله‌پوشی» چیست؟**

به‌طورکلی، وقتی از کاری استقبال می‌شود یعنی اساس کار درست است و ارتباط درست برقرار شده و نشان‌دهنده این است که بذله‌پوش کارش را به‌درستی انجام داده و این مهم است که بذله‌پوش با چه کسانی هم در ارتباط است، علاوه بر مسائل ظاهری، خنده، تکه‌پرانی و حاضر جوابی‌ای که ابزار اصلی بذله‌پوش به حساب می‌آید، نکته‌ای اساسی هم این‌بین وجود دارد و آن نقد است؛ نقد اجتماعی و تاریخی‌ای که مردم هم با آن ارتباط خوبی دارند و به‌شدت از آن خوششان می‌آید به شرطی که نقد سالم باشد و به معنی واقعی یعنی سبک‌وسنگین‌کردن و نه ویران‌کردن. اکثر نقدهای ما درست و بجا نبوده و بیشتر باعث دشمنی شده، باید یاد بگیریم با نقد همدیگر را تکمیل کنیم، زیرا نقد، فرهنگ و تاریخ تمدن را ماندگار می‌کند. بذله‌پوش به‌عنوان وظیفه اجتماعی خود نقد می‌کند و مردم هم آن را خوب بررسی می‌کنند. در گذشته بذله‌پوشی با حضور در مجالس شادی و جشن‌های خصوصی انجام می‌گرفت و زمانی که عمومیت پیدا کرد، افراد مؤثر و پرتوانی در این عرصه وارد شدند؛ ازجمله زنده‌یادان منوچهر نودری و علی تابش. همچنین می‌توان از برادران طلایی، برادران نقدقسی و سیدکریم یاد کرد. مرتضی احمدی، مجید مسکنی و حمید قربنی هم در گذشته خدمات شایانی در این عرصه داشتند. درحال‌حاضر افرادی مانند حمید ماهی‌صفت، حسن ربوندی و امیر کرلایی‌زاده این هنر را با علاقه دنبال می‌کنند.

✂ **و نکته پایانی؟**

در همه کمدی‌ها، فکاهیات و لطیفه‌ها بررسی تضادها باید به خوبی مورد استفاده قرار گیرد. اساس تضاد بر آنچه هست، نیست و آنچه نیست ولی می‌نمایاند؛ و بذله‌پوش باید در همه دوران‌ها حرف تازه‌ای داشته باشد و کاری جدید ارائه دهد و نباید از کسی تقلید کند و بر خلافت خویشتن خویش تکیه زند. باید از هوشی سرشار برخوردار باشد که بتواند به کمک بداهه‌گویی، اثرگذاری خاص خود را به دست آورد. همه اینها به‌سختی حاصل می‌شود به‌همین‌دلیل تکرار می‌کنم این کار از کارگردانی، بازیگری و نویسندگی سخت‌تر است.

دریچه

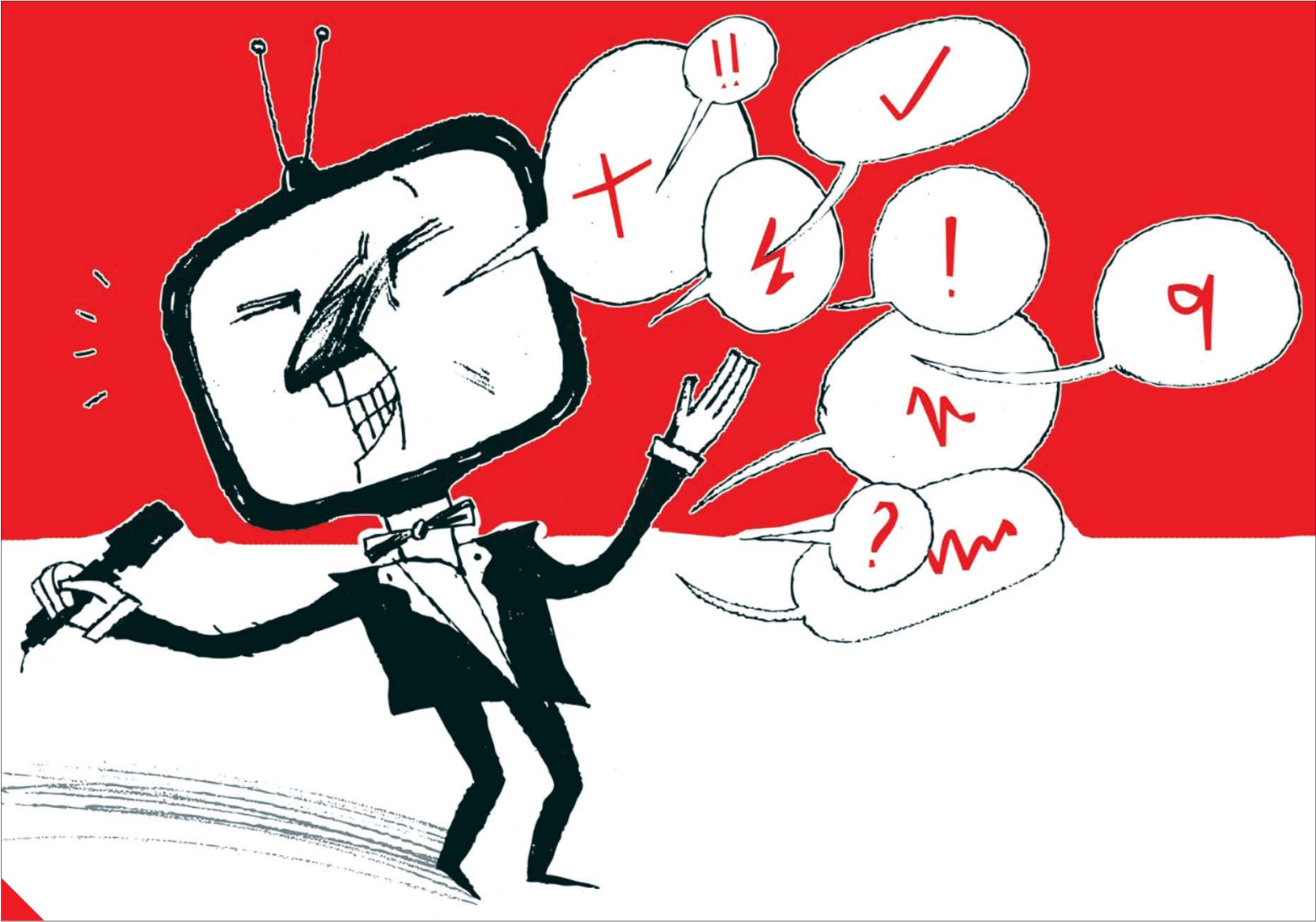
نقد اجتماعی و سیاسی

دکتر مجید حسینی‌زاد: کمدی یکی از سبک‌های نمایشی است که ریشه در جشن‌های یونان باستان دارد. هدف این نمایش در ظاهر خنده و تفریح و در اصل، مسائل جدی و نقد اجتماعی، سیاسی و اخلاقی است. در کمدی اصل این است که نمایش طوری طراحی شود که مخاطب اشراق بیشتری از کاراکتر بر موضوع داشته باشد و به دلایل سیاسی یا اخلاقی نتواند بیان کند.

استندآپ کمدی نوعی کمدی است که در آن کمدین مستقیماً با تماشاگران خود صحبت می‌کند و در مونولوگی ترکیبی از لطیفه‌ها، شوخی‌ها، آواز و شعرخوانی و نقد اجتماعی برنامه خود را اجرا می‌کند. عمدتاً برنامه به صورت تک‌نفره است ولی بعضی مواقع نیز کمدین از چند دستیار، آکسسوار صحنه، شعبده‌بازی و نمایش‌های جنبی برای تأثیر بیشتر سود می‌برد یا گاهی میکروفوُنی میان جمعیت می‌فرستد تا بخشی از برنامه را آنها پیش ببرند. استندآپ کمدی مشمول اصول ارتباط چهره‌به‌چهره است و کمدین با ازبایی عکس‌العمل‌های مخاطبان به‌طور مرتب خود را تطبیق می‌دهد. حضور مخاطب به قدری مهم است که در اجرای این دست کمدی در تلویزیون یا رادیو، از حضور مخاطب با افکت‌های صوتی خنده، دست‌زدن و... استفاده می‌شود. سابقه استندآپ کمدی به نوشته‌های آریستوفان و جشن‌های دیونیسوسی در یونان باستان، کمدی دل‌آزآه، وودویل، بورلسک و لطیفه‌سرایی‌های انقلابی- اجتماعی خیابانی بازمی‌گردد. در غرب استندآپ کمدی به گونه‌ای درآمدۀ که درحال‌حاضر حتی جشنواره و جوایزی دارد.

تلویزیون و رادیو در مقاطعی سعی کردند از این فرم کمدی سود جویند؛ از تکه‌های کمدی مهران مدیری در دهه ۷۰ در تلویزیون تا برنامه‌هایی مانند «صبح جمعه» و برنامه‌های تهیه‌کنندگانی همچون تسوکل و شیشه‌گران در رادیو. در این فرایند، رادیو به دلیل نوع و ساختار ارتباطش، بسیار موفق‌تر عمل کرد. در تلویزیون تا برنامه‌های «خندوانه» و «دورهمی» استندآپ کمدی موفق‌ی وجود نداشت. اگر گاهی مجری مستعدی با شوخی‌های خود با مخاطب رویه‌رو می‌شد، نمی‌شد آن را استندآپ کمدی نامید. برنامه «خندوانه» در معرفی این فرمت از کمدی نقش بسیار مهمی را عهده‌دار شد و «دورهمی» نیز فرم خاصی از استندآپ را عرضه کرد. البته یکی از دلایل موفقیت این‌دست برنامه‌ها مجموعه‌های «شوخی کردم» و... در فضای خارج از تلویزیون بود که تلویزیون را واداشت تا در برخی ضوابط خود تعدیلی ایجاد کند که البته به گرفتاری‌هایی از نوع دورهمی و... انجامید. تلخک، کریخ‌شیره‌ای، درکل و استندآپ کمدی به‌طور خاص، نقد اجتماعی-سیاسی است که جامعه کم‌ظافت و نقدناپذیر آن را تحمل نمی‌کند. اگر برنامه به نقد مستقیم یا تلویچی هر گروهی اعم از پزشکان تا صنف مبل‌فروش یا رانندگان، پلیس و حتی خلاف‌کاران پیردازد؛ گروهی اعتراض کرده و عده‌ای از معترضان حمایت می‌کنند.

در تاریخ می‌بینیم کسانی مانند جحی، تلخک، کریخ‌شیره‌ای، سیاه‌تخ‌حوضی، شیخ کرنا و... همگی با حمایت کسی زنده مانده‌اند، والا طنز‌شان مرگ محتمر را به دنبال داشت. این تجربه تاریخی درسی دارد و آن، ضرورت وجود چنین فرمتی و حمایت از مجریان آن است. تلویزیون به دلیل نوع مخاطبش نمی‌تواند همیشه جدی، صریح و اقامعلم باشد. گاهی لازم است با زبانی دیگر مثل شوخی و از طریق برهان خلف و به‌رخ‌کشیدن کاستی‌ها، فساد و... صحبت کند.



ه.ج.ب.ن

استندآپ کمدی؛ کمدی نارسا در ایران

شد توجهات بسیاری به این گونه جلب شود. جیم کری، مستربین و رایبن ویلیامز از هنرمندان خارجی و هنرمندان داخلی‌ای مانند منوچهر نودری، حمید ماهی‌صفت یا امیر کرلایی‌زاده را بیشتر با اجرای استندآپ کمدی به خاطر می‌آوریم. مطالب پیش‌رو بیش از هر چیزی به‌منظور شناخت این گونه کمدی و چرایی محبوب‌بودن آن میان مردم و تعاریفی است که از این نوع کمدی ارائه شده است.

شگفتی و خنده تماشاگران شود و مشکلات اجتماع را با لبخند به آرامش تبدیل کند». این تعریفی جامع از استندآپ کمدی است که طرفداران بسیاری دارد و اجرای این نوع از کمدی در تلویزیون ما به‌ویژه در سال‌های اخیر مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرده است. «خندوانه» از جمله برنامه‌های تلویزیونی بود که اجرای استندآپ کمدی از سوی چهره‌های شناخته‌شده سینما و تلویزیون باعث

استندآپ کمدی چیست؟

برنامه‌های اخیر تأثیرگذار و کارآمد بوده‌اند، جای درنگ دارد. استندآپ کمدی نیز با صرف اینکه یکی از اهدافش خنداندن است، باید با روشی درست و کارآمد اجرا شود و اندیشه‌ای پشت آن باشد. این گونه از کمدی همچون کمدی‌های دیگر، می‌تواند فرصتی مناسب برای نقد مشکلات روز اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... باشد و از بازخورد زنده‌ای که از بینندگان گرفته می‌شود، می‌توان به ژرفای حس آنها نسبت به این‌گونه مشکلات پی برد. اما در کمدی‌های پخش‌شده اخیر به گفته آقای شهرام شکبیا، شاعر و طنزپرداز، «به ما یاد می‌دهند خندیدن یک کار غریزی است و هیچ ربطی به تفکر ندارد درحالی‌که با خود این فرهنگ، اگر بر پایه غریزه‌ها قرار است ما برنامه بسازیم، می‌تواند اشکال دیگری را بسازیم... داریم می‌آموزیم به هیچ‌وجه فکر نکنیم و به چیزهای احمقانه بخندیم و گاهی به هیچی بخندیم.»^۱

دیگر اینکه در استندآپ کمدی همچون هر هنر دیگری نوآوری، تازگی و همچنین امانت‌داری از اهمیت بسیار برخوردار است. یک کمدین خوب باید بر پایه اندیشه و نوآوری خود، بیننده را به خنده آورد. اما متأسفانه بیشتر کمدین‌های اخیر صرفاً به بازگوكردن بسیاری از هزاران لطیفه‌های موجود در انواع شبکه‌های اجتماعی با تغییر و دست‌برد در حکایات سعدی، عبید و دیگران پرداخته‌اند. امید است این هنر هم مانند صنعت‌مان و مسائل دیگر، صرفاً دست‌خوش مونتاژ و به‌هم‌بندی نشود و هنرمند با اندیشه خود به بهترین شیوه نوآورانه، مشکلات موجود را در قالب و کالبد طنز بیان کند.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، باید پیوسته اندیشه‌ای پشت خنده وجود داشته باشد. استندآپ کمدی صرفاً

به این مفهوم نیست که طبقه خاصی از جامعه را زیر سؤال ببریم یا با لهج‌های خاص صحبت کنیم یا دست به حرکاتی سبک بزنیم و بیشتر تلاش کنیم که مخاطب را با لودگی بخندانیم و اجرا را رو به ابتذال ببریم. هنر کمدین این است که بتواند موضوعی را



دست ما در انتقادکردن باز نیست

ازجمله افرادی بود که هر وقت در محافل خانوادگی حاضر می‌شد، مشغول تعریف خاطرات بود و به‌نظرم مهارت خاصی در این شیوه که به نام استندآپ کمدی می‌شناسیم، داشت و باطبع این روحیه در من نیز بوده و هست. اما ما ایرانیان نیز این شیوه را از گذشته دور تا به امروز با نام‌ها و اسامی دیگر داشته‌ایم، مثل هنر پرده‌خوانی، معرکه‌گیری و... که با همین ویژگی‌ها انجام می‌شد. با این تفاوت که در ایران بیشتر کمدی‌های ما کلامی بوده و هست.

مثل اینکه در قهوه‌خانه‌ها بیشتر شاهنامه‌خوانی انجام می‌شده و شاهنامه‌خوان با همه ابزارهایی که در اختیار داشته، مخاطبانش را سرگرم می‌کرده است. او نه‌فقط از بیانش برای نقل داستان بهره می‌برده است، بلکه از بدن و زبان بدنش نیز استفاده می‌کرده؛ اتفاقی که درحال‌حاضر کمتر در استندآپ کمدی‌های ایرانی می‌بینیم و استندآپ کمدی‌های ما صرفاً محدود به مهارت‌های کلامی است. در صورتی‌که به اعتقاد من، تعریف درست استندآپ کمدی، استفاده کمدین از همه

بهناز شیربانی: «نوعی از کمدی که معمولاً از سوی یک نفر اجرا می‌شود. در این نمایش، کمدین با اجرای سریعی از داستان‌گویی، لطیفه و شوخی‌های کوتاه و گذرا و بداهه‌سازی‌هایی که جمع تماشاگران پذیرای آنها باشند، به انتقال مضامین می‌پردازد. اجراکننده معمولاً سرنوشت مسائل و معضلاتی را که بسیار مهم و جدی، اجتماع کلی را درگیر خود کرده، به چالش می‌کشد؛ به این امید که باعث

زَرنانِ بختیار: استندآپ کمدی یا کمدی ایستاده، به نوعی از کمدی گفته می‌شود که در آن اجراکننده مستقیم و بدون وجود دیوار چهارم برای بینندگان اجرا می‌کند. دیوار چهارم به دیوار خیالی جلو صحنه گفته می‌شود؛ اگر صحنه نمایش را مانند یک جعبه در نظر بگیریم که سه طرف آن بسته است، آن سمتی را دیوار چهارم می‌گویند که باز و رو به تماشاگران است. پس دیوار چهارم را در هنر نمایش، دیواری خیالی میان اجراکنندگان و مخاطب می‌پندارند. تاریخچه استندآپ کمدی به سده‌های ۱۸ و ۱۹ در کارناوال‌های انگلستان بازمی‌گردد که در آن زمان هم سانسور شدیدی بر اجراها اعمال می‌شد. مانند زمان لرد جمبرلین^۱ که کمدین‌ها باید متن اجرا را پیش از برنامه برای بررسی تحویل می‌دادند و جملاتی را که باید حذف می‌شد با مداد آبی زیرشان خط می‌کشیدند؛ به همین علت هم هست که اکنون به اجرای کمدین‌های ضعیف در زبان انگلیسی «آبی» می‌گویند. تاریخ استندآپ کمدی در آمریکا هم به سده ۱۹ بازمی‌گردد و از افراد پایه‌گذار و نامدار آن زمان می‌توان مارک تواین^۲ را نام برد. در ایران هم پیش از انقلاب ژرمن ویزدم^۳، کمدین نام‌آور انگلیسی، چندین اجرا داشته است که صدایشگان بنام آن زمان بر اجرای او صداگذاری کردند. پس از آن هم می‌توان از منوچهر نودری و علی تابش در زمره نخستین اجراکنندگان این نوع کمدی نام برد. پس از بیان تاریخچه‌ای از استندآپ کمدی، به موضوع اصلی خواهیم پرداخت و بررسی خواهیم کرد این هنر اکنون چه جایگاهی را در کشور ما پیدا کرده است یا باید پیدا کند. به‌تازگی در برنامه‌های تلویزیونی ما این گونه کمدی دارد رواج پیدا می‌کند و مخاطبان ویژه خود را هم پیدا کرده است. اما با وجود چکیده‌ای که از تاریخ این هنر در ایران گفته شد، می‌توان بیان کرد این هنر همچون نوژادی است که نیاز به پرورش دارد. چنان‌که در سده بیست‌ویکم همه‌چیز رو به علمی‌شدن و تخصصی‌شدن پیش می‌رود، هنر هم به همین‌سو پیش می‌رود. اما اینکه چقدر این



علیرضا خمسه

استندآپ کمدی، گونه از کمدی و برگرفته از تاریخ آمریکااست. بعد از جنگ جهانی دوم و جنگ‌های بعد که آمریکا در آن شرکت داشته و برانگه‌شدن سربازان آمریکایی در کشورهای دیگر، کشور آمریکا برای روحیه‌دادن به سربازانش از کمدین‌های کشور برای اجرای برنامه دعوت می‌کرد. «جک لمون» از چهره‌هایی است که سال‌ها استندآپ کمدی اجرا کرد و به این دلیل که این شیوه از کمدی ایستاده و در حضور جمع انجام می‌شود، نام استندآپ کمدی را برای آن انتخاب کردند. بعد از متداول‌شدن در آمریکا، این شیوه کمدی به‌مرو به سایر کشورها تسری پیدا می‌کند و می‌بینیم بین کشورهای آسیایی نیز بسیار پرطرفدار است. در ایران نیز درگذشته افرادی مثل سیدکریم، علی‌بابا و... از جمله